

# افغانستان زنده است افغانستان ژوندی دی Afghanistan Alive



دریمه شمیره غویی ۱۳۸۷

شماره سوم ثور ۱۳۸۷

Number 3 April 2008



# HAMIDI SUPER MARKET



**A  
new  
address  
but the same  
quality service  
& big variety of  
products**



Shar-e-Naw, Zarghona Maidan, Park Plaza

0799 556 565 or 0700 275 894

## سلام ! نام من سمیر است

من آمر بازار یابی افغانستان زنده است می باشم.  
اعلان نمودن با ما برای شما

- بازار یابی به قیمت نازل
- توزیع در سرتاسر کشور
- بازار یابی برای بیش از  
10000 خواننده را مهیا  
می سازد

من خوشحال هستم از اینکه  
ضروریات بازار یابی شما را  
مورد بحث قرار می دهم

به تلیفون 0799234606 یا ایمیل  
sales@afghanistanalive.com با من تماس  
بگیرید.



- Laboratory, X-ray  
- German Doctors

Saturday - Thursday

9:00 - 17:00

Friday Closed

0799 136 210

We require a deposit of AFG 5000  
If the total cost of treatment is less  
than AFG 5000 we will reimburse the  
remainder of your deposit

www.medical-kabul.com



## محتویات

## Contents

8	کاشی کاری استالف - آینده ساز می باشد د استالف کاشی کاری - جوړوونکي راتلونکي لري Istalif Pottery - shaping the future	29	"افغانستان محبوب ما" "زموږ گران افغانستان" "Our Beloved Afghanistan"
14	اولین نمایش هنری معاصر خانمها د ښځو لومړنی اوسنی هنری نندارتون First Female Art Exhibition	32	سهم گیری در انکشاف په پرمختگ کی برخه اخیستل Making a contribution to development
18	بت های بامیان د بامیان بتان The Bamiyan Buddhas	37	دانش آموزی و سرگرمی در میدان سرکس د سرکس په ډگر کې زده کړه او ساعت تیری Learning and Fun at the Circus
25	بزکشی - بازی ملی ما ست وزلوبه - زموږ ملی لوبه ده Buzkashi - our national game	41	گزرگاه گزرگاه Gazargah

Publisher - Afghanistan Alive  
Wazir Akbar Khan, Kabul  
Afghanistan  
Manager - S. Haris Gisawi  
Journalist - Hamayoon Kamal  
Marketing - Sameer Tanah  
Layout/Design - Higgins Design 0799 234 606  
Photographs - © Afghanistan Alive  
(Unless credited to others)  
Printer - Aria Printers  
Translation - Qutbzadah Translation Center  
Advertising - sales@afghanistanalive.com  
Website - www.afghanistanalive.com  
Contact - 0799 234 606  
Email - office@afghanistanalive.com



Front Cover: Young Women from the Centre for Contemporary Arts, See Page 14



# الیاس بسیا موبائل سنتر

کوته سنگی فضائی مارکیٹ دروازه غربی دوکان نمبر ۶۶

## Elyas Bassia Mobile Shop

Shop 66, (enter at Western Door) Fazili Market, Kot-e-Sangi

عرضه کننده انواع موبائل و پرزه جات آن و ترمیم و ثبت موزیک باز نمودن کودهای داخلی و خارجی و فارسی سازی

Importing all makes of mobile phones and spare parts. Repairs, recovery of pin codes for locked phones, installing music and conversion to Dari language

میتوانیم نمونه های موبائل را به دفاتر و ارگانهاییکه به چندین موبائل ضرورت دارند عرضه نمائیم.

We can visit your office with samples for organisations buying multiple phones.



با ما به تماس شوید برای خدمات سریع، موثر و دوستانه

Contact us for fast, efficient, friendly service

Sulaman 0700 201 444



# کندهار زنده است و در مسابقه دوش سهم می گیرد

اشتراک کنندگان بین سنین ۱۶ الی ۴۰ ساله بودند. یک جمعیت تخمین ۱۰ الی ۲۰ هزار نفری این واقعه را تماشا نمودند.

سرپرست ها شامل اتحاد افغان گروپ، بانک بین المللی افغانستان ((AIB)، افغان بیسیم، شبکه رادیویی و تلویزیونی آریانا می باشند. این حمایت کنندگان همراه با بنیاد بیات با اهدا جوایزی به ارزش بیش از ۳۰۰،۰۰۰ افغانی حمایت خود را از این موضوع ابراز نمودند.

فضا یک فضائی پرازخوشی، میوزیک، شور و شمع و هماهنگی بااشتراک کنندگان بود که اتن ملی رادرو هله آخر باهم یکجا اجرا نمودند.

حقیقتی که این مسابقه در کندهار با حمایت و پشتی بانی بی شائبه برگزار گردید نشان دهنده آنست که افغانها می توانند حتی در سخت ترین شرایط در یک روحیه برادری و هم بستگی باهم یکجا شوند.

کندهار، هرات و خوست برگزار می گردد، مبدل گردیده است. این پروژه با مسابقه دوش سال ۲۰۰۸ در کابل به پایان خواهد رسید.

کندهار مسابقه دوش خود را در ۱۱ اپریل ۲۰۰۸ برگزار نمود. این رویداد مورد علاقه فمندی بسیار زیاد مردم کندهار قرار گرفت. مسابقه از دوراهی باباولی آغاز و در باغ سرکاری ارغنداب خاتمه یافت. مسابقه ۱۰ کیلومتری شامل

احسان بیات، رئیس بنیاد بیات یک رویائی داشت تا مسابقاتی را در تمام مناطق بزرگ افغانستان سازماندهی نماید، مردم خواهند دوید تا به مخدرات جواب نخیر بگویند و به شعارهای "صلح و وحدت" و "بیانید افغانستان را سرسبز سازیم." جواب مثبت گویند.

با برآه انداختن مسابقات دوش منطقوی اکنون این تصور بیک رویداد سالانه که در کندهار، جلال آباد، مزار شریف، تخار،







# ژوندی کندهار - دځغاستی په سیالی کی ونډه اخلی

## Kandahar – Alive and Running

Ehsan Bayat, Chairman of Bayat Foundation, had a dream to organize races in all major regions of Afghanistan. People would run to say "No to Drugs", "Yes to Peace and Unity", and "Let's Create Green Afghanistan". The dream is now an annual event with Regional Run Races taking place in Kandahar,

Jalalabad, Mazar-e-Sharif, Takhar, Kunduz, Herat and Khost. The project will conclude with The Annual Run Race 2008 in Kabul. Kandahar held its Run Race on 11th April, 2008. The event received a tremendous response from the people of Kandahar. The race started from Baba Wali Dorahi and ended at Arghandab Sarkari Bagh. The 10 Km race involved participants from 16 to 40 years old. A crowd estimated at 10 and 20 thousand people watched the event.

Sponsors included Etehad Afghan Group, Afghanistan International

Bank (AIB), Afghan Wireless and Ariana Radio & Television Network. Along with the Bayat Foundation these sponsors supported the cause with prizes valued at more than 300,000/-Af. The atmosphere was one full of joy, music, cheerfulness and harmony with participants dancing the national dance together at the finish point. The fact that this event took place in Kandahar with so much support shows that even in the toughest situations Afghan people can get together in a spirit of fraternity and solidarity.

په گډه له ۳۰۰،۰۰۰ افغانیو څخه په زیات لگښت دسوغاتونو اوجوايزوپه وركولوسره ترسره كړه.

ددی سیالی په مهال فضا دگډون كوونكوپه خوبنيو، دمپوزيک له هنگامو اوجم وجوش څخه ډكه وه اوپه وروستني پړاو كی یی ملی اتني هم اجر اشو.

هغه حقيقت چی په كندهار كی داسیالی په بی ساری ملا تر اوجمايت ولمانځل شوه، ددی ښودونكي ده چی افغانان كولاى شی په ډيروستونزمنو شرايطوكی دوروركلوی اوپيوستون په روحیه سره يوځای شی.

کندهار دځغاستی سیالی ۲۰۰۸ میلادی کال داپریل په یوولسمه نیټه پیل کړه، دځغاستی دا سیالی دکندهار دځلکودپوره لیوالتیا وروگرځیدله داسیالی دبابا ولی له دولیاری څخه پیل اودارغنداب په سرکاری بن کی پای ته ورسیدله.

په دی سیالی کی چی دلسوکیلومترپه واټن وه له ۱۶ څخه تر ۴۰ کلنوگډون کونکو برخه درلودله اوله (۱۰-۲۰) زرو تنوپه شاوخواکی خلکویی ننداره کوله.

ددی سیالی سرپرستی دافغان گروپ اتحاد، دافغانستان نړیوال بانک((AIB، افغان بیسیم، دآریانا رادیواوتلوویزیون دشبکی په غاړه وه. ددی سیالی پورتنیو ملا تر کونکو دبیات دبنیادسره

دبیات دبنیاد مشر "احسان بیات" یوه رويا درلودله چی دافغانستان په مهموسیموکی دځغاستی سیالیو ته سازمان وركړی. ځلك به وځغلی ترڅو چی، نشه ایزوتوكوته په "نه" ځواب اود "سولی اویووالی" او "راشی چی افغانستان سمسورکرو" شعارونوته "مثبت" ځواب وركړو.

دسیمه ایزو ځغاستودسیالیو په رامنځ ته كولو سره اوس داخیال دیوی كلنی پېښی په توگه په كندهار، جلال آباد، مزار شریف، تخار، كندز، هرات اوخوست کی عملی بڼه غوره كړی. دا پروژة په دځغاستی د سیالی سره يوځای په كابل كی په ۲۰۰۸ میلادی كال كی پای ته ورسیزی.





# کاشی کاری استالف - آینده ساز می باشد



فامیل وی توسط طالبان بیرون کرده شدند. نامبرده ۶ سال قبل به وطن باز گشته و به ساختن ظروف کاشی کاری دوباره آغاز نمود.

بصیر مانند دیگر کاشی کاران استالف از مهارت های عنعنوی ایکه از قرن ها به این طرف مروج بوده است استفاده می نماید.

وی از گل هائیکه از کوه های بالاتر از قریه جمع آوری می گردد با علاوه نمودن لیف یک نبات مخصوص کار می گیرد که آن بنام گل لخ یاد می شود تا گل خوبتر کار گر واقع شود. اندازه گیری به چشم صورت می گیرد. گل برای ۲ تا ۴ ساعت باهم مخلوط می گردند.

کاشی کاران استالف در بکار بردن چرخ مهارت دارند تا گل را طوریکه اینها با دستان خود می سازند درست نمایند. ظروف گلی لعاب شیشه داده می شود و در یک داش یا تنور برای آتش دادن انباشته می شود بسیاری کاشی کاران در استالف، بشمول بصیر، در بازار دکان دارند. ایشان در آنجا انرا بنمایش گذاشته و تولیدات خود را بفروش می رسانند.

کاشی کاری دارای یک ذیباتی روستائی می باشد رنگ ها شامل یک لعاب فیروزه ای می باشد که استالف از دیر زمان در آن شهرت دارد، ولی امروز رنگهای زیاد دیگر شامل آن می گردد.

بطور مروج کاشی کاران تعداد زیاد کاسه ها و پشقاب ها را ساخته اند.

اینها بطور روز افزون شمعدان و دیگر اشیای زینتی را می سازند که اعم از خارجی ها و کابلی ها آن را خریداری مینمایند.

وقتیکه کاشی را با دست خود می سازند، بصیر و دیگر کاشی کاران هم چنان در ساختن آینده استالف سهم می گیرند.

استالف قریه ایست که به فاصله تقریباً ۵۰ کیلو متر در شمال کابل در دامنه های کوه ها در سمت غربی دند شمالی موقعیت دارد. استالف بخاطر صنعت عنعنوی تولیدات و مخصوصاً کاشی کاری اش در طی قرون متمادی از شهرت خاص برخوردار بوده است.

این یک میله جای (محبوب) برای باشندگان کابل بوده و ظاهر شاه پادشاه اسبق یک خانه تابستانی در آنجا داشت. این دارای یک تاریخ پر از خشونت می باشد. در سال ۱۸۴۲ لشکر انگلیس این قریه را به خاطر انتقام جوئی در وقت بر آمدن شان از افغانستان طعمه حریق ساختند.

با وجود آن تخریبات قریه دوباره بحال زندگی عادی خود برگشت. در دوران مقاومت علیه تجاوز اتحاد شوروی توسط طیارات نظامی افغان- شوروی بمباردمان گردید.

اهل قریه دوباره آنرا آباد نموده و به آبادی بیشتر آن ادامه دادند.

در اواخر سال ۱۹۹۰ این قریه خانه بخانه توسط طالبان تخریب شد.

باشندگان آن بیرون رانده شده و باغ های انگور و کانال های آبرسانی شان تخریب گردیده و آلوده گردید. تا هنوز علایم زیاد این خرابه ها در داخل و دور و پیش قریه وجود دارد.

علی الرغم تمام این حوادث، استالف به تدریج دوباره زنده می گردد. تولید ظروف کاشی کاری در ساختن یک آینده بهتر برای این قریه کمک مینماید.

عبدالبصیر در استالف در خانواده که پیشه شان کاشی کاری بود تولد گردیده است.

کاشی کاران استالف در بکار بردن چرخ مهارت دارند تا گل را طوریکه اینها با دستان خود می سازند درست نمایند.

د استالف کاشی کاران د چرخ د په کار اچولو په برخه کی مهارت لري او خټه لکه څنګه چي په لاسونو باندې تیاروي، داسي جوړیږي.

Istalif potters are skilled at using the kick wheel to spin the clay as they shape it with their hands



گل برای ۲ تا ۴ ساعت باهم مخلوط می گردند.

خټه له ۲ نیولي تر ۴ ساعتو پوري يوله بله سره ګډیږي.

The clay is mixed together for between two and four hours.



ظروف گلی لعاب شیشه داده می شود و در یک داش یا تنور برای آتش دادن انباشته می شود خټینو لوبنیو ته د شیشو مایع ورکوله کیږي او په یوه داش یا تنور کې د اور لپاره زیرمه کیږي

The clay pots are glazed and stacked in a kiln or oven for firing.





# د استالف کاشی کاری - جوړوونکي راتلونکي لري

استالف یو ولسوالی دی چې نژدې د ۵۰ کیلومترو په واټن، دکابل په شمال کې د غرونو په لمن کې د شمالی ډنډ په لویډیځ لوري کې پروت دی. استالف د تولیداتو د دودیز صنعت او په خانګړی توګه د کاشی کاری په خاطر، د پیړیو په اوږدو کې ډیر شهرت لاره.

دغه ولسوالی د کابل د اوسیدونکو لپاره یو ډیر په زړه پورې میله ځای و او د افغانستان پخوانی پاچا ظاهر شاه هم په هماغه ځای کې یو دوبي کور درلود.

په تاریخ کې په دغه ځای کې ډیرې لوري او ژورې راغلي دي. د انګریزانو لښکر په ۱۸۴۲ کال کې دغه کلی ته د راتلو پر وخت د غچ اخیستلو په خاطر، اور ورته کړ.

سره له دې هم، په دغه کلی کې وړانګاری بېرته عادي ژوندانه ته را وګرځېدې. د شوروی پر خلاف د مقاومت په دوران کې، د افغان- شوروی الوتکو له خوا بمباردومان شو. کلیوالو بېرته هغه ودان کړ او د هغه زیاتي آبادی ته یې پام وکړ.

د ۱۹۹۰ کال په وروستیو وختو کې دغه کلی کور په کور د طالبانو په وسیله وړان شو. د هغه اوسیدونکي نورو سیمو ته ولاړل. د انګورو باغونه او د اوبو رسولو لارې چارې یې وړانې وچارې شوې. تر اوسه پورې، دکلي په شا و خوا کې دورانی ډیرې نیني نښانې ترسترګو کېږي. د دغو ټولو پېښو پر خلاف، استالف په تدریجي توګه بېرته ژوندی کېږي. د کاشی کاری د لوښو تولیدات ددغه کلی لپاره د ښه راتلونکي په جوړولو کې، زیاته مرسته کوی.

عبدالصیر چې د استالف کلی اوسیدونکی دی، په یو کاشی کاره کورنۍ کې زیږیدلی دی. د هغه

# Istalif Pottery

- shaping the future

Istalif is a village some 50km north of Kabul situated at the slopes of the mountains on the western edge of the Shomali plain. For centuries Istalif was known for its traditional craft production and especially its pottery.

It was as a popular picnic place for Kabul inhabitants and King Zahir Shah had a summer house there. It has had a violent history. In 1842, the British army burned the village as revenge when withdrawing from Afghanistan. Despite the destruction the village came to life again. During the resistance against the Soviet invasion it was bombed by Afghan-Soviet military planes. Again, the villagers rebuilt and continued on.

In the late 1990's the village was destroyed, house by house, by the

Taliban. The inhabitants where forced out and the vineyards and watering canals destroyed and polluted. There is still much evidence of this destruction in and around the village.

Despite all of this, Istalif is slowly coming alive again.

The production of pottery is helping to shape a better future for the village. Abdul Basir was born in Istalif and lived there until his family was forced out by the Taliban. He returned 6 years ago and began again to make pottery.

Like other Istalif potters, Basir, uses the traditional skills passed down for centuries.

He uses clays collected in the mountains above the village adding a special

plant fibre, "gul-e-Lokh" to make the clay more workable. Measuring is done by eye. The clay is mixed together for between two and four hours.

Istalif potters are skilled at using the kick wheel to spin the clay as they shape it with their hands.

The clay pots are glazed and stacked in a kiln or oven for firing.

Many of the potters in Istalif, including Basir, have their own shops in the bazaar. There they display and sell their products. The pottery has a rustic beauty. They colors include a turquoise glaze for which Istalif has long been famous, but today many other colors are included.

Traditionally the potters made a variety of bowls and plates. Increasingly they have made candlesticks and other decorative objects which both foreigners and visiting Kabulis purchase.

As they shape the pottery with their hands, Basir and the other potters are also doing their part in shaping the future of Istalif.





# اولین نمایش هنری معاصر خانمها

توسط لیزیت پوتگایتر ©



"The Family"  
(۲۰۰۷),  
شینکی عالم

نظرمی رسد، هنراونفوذ  
تلویزیون غربی راکه بالای زنان  
افغان دارد ترسیم می نماید.  
بیشتر کارهای رشد یافته مریم  
فارمولی ۲۴ ساله از مشکلات  
اجتماعی و فرهنگی زنان افغان  
سرچشمه می گیرد. من شاهد  
خودکشی ها، فقر، عروسی های  
اجباری و هم چنان خساره جانی  
انسان بخاطر جنگ بوده ام. من  
باهر خود از افغانها می خواهم تا  
در زندگی شان دوباره فکر نموده  
و پیام مرا مورد تطبیق دهند.  
این هنرمندان به این باورند که  
زنان اکثریت جمعیت خاموش  
افغانستان هستند. هزاران داستان  
بیان نشده، ناگفته باقی مانده.

نمایشگاه  
من افغانهای  
جوان را دیدم که  
میگریستند. این برای شان  
بار اول بود که با چنین  
تصاویری ریا و محرک مقابل  
شده بودند.  
در نقاشخانه هوا داروروشن  
اطراف کابل یک نسل  
جدید زنان افغان باهم یکجا  
کار میکردند تا هنر را بیک پیام  
قوی ایجاد نمایند. اینها همه  
تحت فشار روانی قرار داشته  
باز هم آنها می کوشیدند تا  
عصاره نیازمندی های داخلی  
خود را ظاهر سازند.  
منیزه نظامی ۸ ساله جوانترین  
هنرمند در این گروپ می باشد.  
نقاشی روغنی "بدون عنوان"  
(۲۰۰۷) اش توجه بی شایبه  
را در نمایش جلب نمود. نامبرده  
که بالاتر از سن اش هشیار به

مرکز افغانستان  
برای فنون  
معاصر اولین نمایش مستقل  
هنری معاصر خانمها را در اوایل  
مارچ ۲۰۰۸ در کابل دایر  
نمود. از جمله ۲۳ هنرمندان  
جوان طبقه انات کارهای  
شانرا در جریان نمایش هشت  
روزه، رویداد تهادب گذاری  
که یک معیار جدیدی را برای  
زنان افغانستان به منظور  
ظاهر ساختن انفرادیت شان به  
نمایش گذاشتند.  
آقای راهرو عمرزاد، مدیر  
مرکز فنون معاصرو ترتیب  
دهنده نمایش هنر، هنرمندان را  
تشویق نمود تا کدام اصول یا  
عقاید کسی دیگری را نقل ننموده  
و در یک روش جدید نقاشی  
نمایند که تخنیک ها و نظریات  
خود شانرا ظاهر نمایند.  
"عقاید جدید توسط جامعه  
افغان ها به آسانی مورد  
پذیرش قرار نمیگیرد، اما در این



کورنی غوښتنی تری  
څرگندی شی.

د ۲۴ کلنی مریم  
فرمولی زیاتره مخ په وده  
کارونه، دافغان ښځو له  
ټولنیزو او فرهنگي ستونزو  
نه سرچینه اخلي. زه دځان  
وژنی په زور سره دودونو  
دکولو او همدارنگه د جگړی  
په خاطر دانسان دسرزدیان  
شاهد وچه، دخپل ژوندانه په  
باب، بیا فکر وکړی اوزما  
پیغام عملی کړی. دغه  
هنرمندان په دی باوردی چی  
ښځی دافغانستان دخاموشه  
اکثریت یوه برخه دی اونا بیان  
شوی کیسه ناویلی پاتی ده.



"Untitled" (۲۰۰۷)  
مینزه نظامی

# دښځو لومړنی اوسنی هنری نندارتون لیزیت پاتگیتر ©

چی، دنورو عقیدوپیری  
بی نه وه کړی اوپه یوه  
نوی سبک بی انځورکړی  
وه. دغه کارددوی  
دخپلو تخنیکونو اونظرونو  
څرگندوی وو.  
په رڼه او هواداره  
انځورگریزه خونه کی، دکابل  
دشاوخوا، دافغان ځوان نسل،  
یوله بل سره یوځای کارکوی  
او غواری چی، هنریه یوه  
نوی پیغام سره رامنځ ته  
کړی. دغه ټول ترروانی  
فشار لاندی وو، مگر بیا هم  
هغوی هڅه کوله  
چی خپلی

داوسنیو فنونولپاره  
دافغانستان مرکز،  
دښځولومړنی اوسنی هنری  
نندارتون د ۲۰۰۸ م کال  
دمارچ په لومړیوختوکی،  
په کابل کی جوړکړ. دځوانو  
ښځو ۲۳ هنرمندانود  
ورځوپه ترڅ کی خپل هنری  
کارونه دننداری لپاره وړاندی  
کړل اوپه دی ډول دافغانستان  
دښځو لپاره په یوه نوی معیار  
دبنسټ ایښودنی ښکارندوی  
ووچی  
ودخاصوځانگړتیاوودښودنی  
لپاره وو.

دهنری ننداری ترتیب  
کونکی اوداوسنیو  
فنونودمرکزمدیرښاغلی  
راهرو عمرزاد، هنرمندان  
دی ته وهڅول چی،  
دنورواصول او عقیدی کاپی  
نه کړی اوپه یوه نوی سبک  
بی انځورکړی، ترڅوددوی  
تخنیکونو اونظرونوڅرگندوی  
وی.  
دافغانانوله خوانوی عقیدی،  
په آسانی سره نه منل کیږی،  
مگر په دغه نندارتون کی،  
ماداسی ځوان افغانان ولیدل

## First Female Contemporary Art Exhibition

Text & Photos ©  
Lizette Potgieter

Afghanistan's Centre for Contemporary Arts held its first independent female contemporary art exhibition in Kabul early March 2008. Twenty-three of its young female artists showcased their work during an eight-day show - a groundbreaking event setting a new benchmark for Afghanistan's women to forge their individuality.

Mr. Rahraw Omarzad, Director of the Centre for Contemporary Arts and organizer of the art exhibition, encouraged the artists not to copy any isms. He wanted them to paint in a new way, expressing their own techniques and ideas.

"New concepts are not easily accepted by Afghan society, but at this exhibition I saw young Afghans crying. It was their first time to be confronted by such honest and dynamic images," says Omarzad.

In a bright and airy atelier on the outskirts of Kabul, a new generation of Afghan women worked together to create art with a powerful message. They have all been under psychological pressure, yet they strived to express the essence of their internal needs.

Eight-year-old Maniza Nizame is the youngest artist in the group. Her oil



"From Reality to Fiction"  
(۲۰۰۸)  
مریم فورملی

painting, "Untitled," (2007), attracted wide attention at the exhibition. Wise beyond her years, her art depicts the influence Western television has on Afghan women.

The more mature works of 24-year-old Mariam Formuli stem from the social and cultural problems of Afghan women. "I have witnessed their suicides, poverty, forced marriages and loss of human life because of the war. With my art I want Afghan people to rethink their lives and apply my message to it."

These artists believe that women are the silent majority of Afghanistan. Thousands of stories remain unspoken.



# بت های بامیان



بامیان وقتی شهرت جهانی کسب نمود که دو گنجینه گرانبهای آن تخریب گردید:

طالبان در سال ۲۰۰۱ دو مجسمه بزرگ بامیان را ویران نمودند.

سفر از کابل به بامیان از طریق زمین بطنی است. فقط ۲۳۰ کیلو متر فاصله ۵-۷ ساعت را در برمی گیرد و چنین معلوم می شود که یک سفر بسیار طولانی باشد.

قسمت اول سفر که از کابل آغاز میگردد شما را به مناطقی می برد که در آن انگور و میوه جات می روید و در موسم انگور فروشندگان آن در شاهراه در لین قرار می داشته باشند.

بعد از آن از چاریکار مرکز ولایت پروان عبور می نماید. شهر دارای صنایعی بوده که تولیدات آن ظروف سفالی، زنجیر سازی و چاقو سازی می باشند. چاریکار در سال ۱۹۶۰ بعد از آنکه یک فابریکه

بزرگ نساجی در مجاور آن گلپهار تاسیس گردید رشد نمود.

درست در شمال چاریکار از شاهراه عمومی طرف چپ به سوی سرک خامه بامیان می گردید. سرک در دور تپه هائی که به امتداد دریای غوربند قرار دارند در میان وادی های حاصلخیز می چرخد. تعداد زیاد قریه جات در مسیر سرک

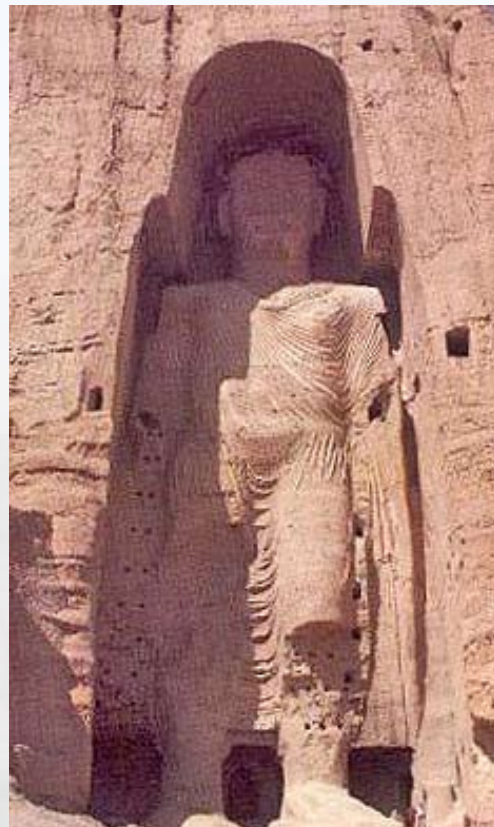
قرار دارند. وقتیکه به دره شیر می رسید سرک به یک جلگه مرتفع بالا می شود و بعداً یک کمی پیشتر نشیب آن به سوی وادی بامیان شروع می گردد. یک قلعه نظامی در بولوله با دیوار های بلند و برج هایش در کناره های آن قرار دارد. سرک به دریای بامیان و در شهر زوهاک جائیکه یک قلعه نظامی تخریب شده دیگر در آن قرار دارد وصل گردیده، بعداً به وادی قشنگ بامیان منتهی میگردد.

در طول سفر مشاهده می گردد که

در وادی های حاصلخیز شیوه های کشت و کار هزاران سال قبل بکاربرده می شود. قلبه های چوبی که به وسیله نر گاو های بسته شده بباووغ کشانیده می شوند، در شیوه های خرمن نمودن عنعنوی، میوه کردن و باد کردن غله جات در هر جای مورد استفاده قرار می گیرند.

مجسمه هائیکه هزاران نفر را سالانه در طی قرون متمادی به بامیان می آورد بیش ازین وجود ندارد، تصور می گردید که بزرگتر آن بزرگترین بت ایستاده در جهان می باشد. اینها برای بیش از ۱۶۰۰ سال نسبتاً بدون آسیب باقیمانده در حالیکه لشکر یکی پی دیگر بشمول اردوی چنگیز خان از آن مسیر عبور نموده اند. هر چند اینها از آسیب طالبان محفوظ نماندند.

باوجود تخریب آن، امروز وقتیکه شما در پیشروی طاق هائیکه زمانی مجسمه ها بالای آن قرار داشتند



ایستاده شوید شما باز هم اندازه قابل ملاحظه آن ساختمان را مشاهده می نمایند. بودای بزرگ ۵۵ متر و بودای خورد ۲۸ متر ارتفاع داشتند!

در کتاب "یک رهنمای تاریخی به افغانستان" (۱۹۷۷)، ننسی هچ دوپری (Nancy Hatch Dupree) استفاده تصور دیدن منظره را طوریکه در عصر بودا بود پیشنهاد نموده است.

" یکی باید چشم خود را بسته نموده به تخته سنگ ریزه ریزه شده، آبله نشان، یکنواخت که امروز در پیشروی شما ایستاده اند نظر اندازد. در عوض یکی باید نمائی را که با نمایش های واقع بینانه ساختار های چوبی چون بازوهای سقف، و راه رو ها و کلکین های

منحنی شکل، هر کدام آن غنی از رنگ های رنگارنگ را باید ببینید. در طاقچه های بودا های عظیم الجثه، خورد آن در یک تکه آبی با شکوه قرار دارد. بزرگتر آن در یک تکه سرخ، روی و دست های آن با طلای بی نظیر با درخشندگی زیورات بیشماری که بالای آنها آراسته شده اند می درخشند". امروز، بطور غم انگیز کسی باید برای دیدن مجسمه هاهم چنان تصور و خیال را بکار برد. در تخته سنگ هائیکه مجسمه های بودا را احاطه کرده است مغاره های زیادی قرار دارد. این مغاره ها برای نماز، پوشیدن لباس، محل برگزاری مجالس، و بحيث اطاق های کوچک برای

راهبان بودائی مورد استفاده قرار می گرفت. بسیاری آن ها استادانه رنگ آمیزی شده اند.

یک تیم چاپانی اخیراً دریافته است که مغاره ها دارای رنگ آمیزی های مشهور و روغنی قدیمی می باشند که تقریباً از دوره ۱۴۰۰ سال قبل می باشد. این تصور کلی را که رنگ روغنی از اروپا سرچشمه می گیرد جائیکه مثال های قبلی تاریخ آن به ۹۰۰ سال قبل می رسد تغییر می دهد به احتمال زیاد نقاشی ها کار هنر پیشه هائی است که از راه ابریشم راه تجارتی قدیمی در بین چین سرتاسر صحرائ آسیای میانه بطرف غرب سفر کرده اند.



# د بامیان بتان



بامیان هغه وخت نړیوال شهرت تر لاسه کړ، چی د نوموړی ولایت دوه ارزښتناکی خزانی له منځه یووړل شوي.

په کال ۲۰۰۱ کی د بودا دوی لوی مجسمی د طالبانو له خوا له منځه یووړل شوی. د کابل څخه د بامیان په لور سفر د سرک له لپاری په چټکی سره نه تر سره کیږی. سره د دی چی د کابل او بامیان په مینځ کی ۲۳۰ کیلو متره واټن موجود دی، بیا هم ۷-۵ ساعتونو ته اړتیا ده تر څو بامیان ته ورسیرو او داسی بریښی چی گویا یو اوږد سفر دی.

د سفر لومړنی پړاو چی له کابل نه پیل کیږی هغو سیمو ته رسیږی، چیرته چی انګور او میوه جات را شنه کیږی او په دغه تم ځای کی د انګورو تجاران (اخیستونکی) په

سرکونو باندی په کتار ولاړ وی بیا دچاریکار څخه تیریری کوم چی دپروان درولایت مرکز دی. دچاریکار ښار د اوسپنی، کلالی موادو او د پخلی موادو تولیدونکی فابریکی لری. چاریکار په ۱۹۶۰ کال کی وروسته له هغی نه چی د گلپهار په شاو خوا د توتو فابریکه جوړشوه، ډیر پرمختګ وموند.

د چاریکار د ښار په شمال کی کین لاس خواته په عمومی لپاره کی د بامیانو په لور سرک ګرځی. دغه سرک د غوربند د سیند تر څنګ په غرونو کی د حاصل خیزو درو په مینځ کی تیر شوی دی. د سرک په شاو خوا کی ډیر زیات کلی پراته دی.

کله چی دشبیردری ته ورسیری، نو سرک د یو لوری جلگی په طرف پورته کیږی او لږ وړاندی بیا سرک مخ په ښکته د بامیان دري پر لور ځی. یوه جنگی کلا د جګو دیوالونو او برجونو لرونکی ده چی په بولوله

کی لیدل کیږی. دغه سرک په دغه ځای کی د بامیانو سیند سره یوځای کیږی او په زوهک ښارکی (چی دلته هم یوه ویجاړ شوی کلا موجوده ده) د بامیانو ښکلی دری ته ننوځی. د حاصلخیزو درو په سفر کی لیدل کیږی چی د زرګونو کالو پخوانی کرهنیزو میتودونو څخه کار اخیستل کیږی. د غویانو په واسطه د لرګیو قلیبه، رواجی درمند جوړول، غله ټکول او د غلی درا ټولولو میتودونه په هر ګوټ کی کتل کیږی.

هغه مجسمی (بتان) چی دپیږیوپه اوږدوکی دزرګونوخلګو د راتګ سبب ګرځیده، اوس وجود نلری. د بودا مجسمه چی د ټولو څخه لوړه وه، د نړی له لوړو مجسمو څخه ګنل کیدله. دغه مجسمی له ویجاړتیا پرته ۱۶۰۰ کاله څخه زیات ولاړی وی حال داچه لښکری پرله پسې دچنگیزخان دلښکر په شمول په



هغه لپاره کی تیر شوی دی، خو بیا هم د طالبانو له ضرر څخه مصئون پاتی نشو.

د دومره ویجاړتیا تر څنګ هم نن که چیری تاسود مجسمی د کمانونو تر منځ ودیریری نو کولی شی چی د دی مجسمی د بیا ودانی اندازه وټاکی. غټ بودا ۵۵ متره او کوچنی بودا ۳۸ متره لوړوالی لری. ننسی هچ دوپری په خپل کتاب (د افغانستان لپاره تاریخی لارښوونه) کی په کال ۱۹۹۷ کینی بودا داسی وړاندی کوی چی که مور خپل تصورات په کار واچوو، نو د بودا مجسمه به د خپل وخت په څیر وګورو. که چیرته څوک سترگی پټی کړی او رژیډلی، داغی او یوشان لوری څوکی په خپل فکر کی راوړی نو همدغه منظره به بی تر سترګو شی.

نو د ذکر شوی مجسمو پر ځای که یو شخص د ودانی مخه چی د لرګنیو ساختمانونو په واسطه ښکلی شوی دی، لکه د ګوتو د سوړو څخه د رنا تیریدنه او مایل دروازی او کرکی گانی چی په مختلفو رنگونو رنگ شویدی وګوری. همدارنگه د بودا په قالبونو کی لور بودا په آبی چینه کی او وړوکی بودا په سره چینه کی په عظمت سره ولاړدی. دوی لاسونه او پښی د رنا څخه څلیری او داسی بریښی چی بېشمیره گانه پری پرته ده.

په خواشیني سره نن مور کولی شو چی، د خپلو خیالاتو په رنا کی دبودا مجسمه وګورو.

هغه لوری څوکی چی د بودا مجسمه یی چاپیر کړی د زیاتو غارونولرونکی دی. دا غارونه د عبادت، کالی بدلولو، غونډو او د ورو کوټو په حیث د بودائی مذهب د راهبانو له خوا تری ګټه اخیستل کیده چی په ډیر ښه توګه رنگ شوی دی.

په وروستیو کی د جاپانیانو یوتیم داسی و موندله چی دا غارونه د پخوانی مشهور روغانی رنگ لرونکی دی چی ۱۴ سوه کاله پخوانی تاریخ لری دغه موندنه هغه نظریه چی گویا رنگ روغانی اول ځل د اروپا څخه سرچینه اخیستی، بدلون ورکوی. په اروپا کی د رنگ روغانی د استعمال تاریخچه ۹۰۰ کاله پخوانی ده ډیر احتمال لری چی دغه رنگونه د هغه فن کارانو د کار نتیجه وی، کوم چی د وریشموله لاری ( پخوانی تجارتي لپاره کوم چی د چین مرکزی آسیا او غرب نښلونکی وه) څخه سفر کاوه.





# The Bamiyan Buddhas



**Bamiyan became world famous when its two most valuable treasures were destroyed: In 2001 the Taliban destroyed the enormous Bamiyan Buddha statues.**

The journey to Bamiyan from Kabul by road is a slow. Only around 230 kilometers, it takes 5 – 7 hours and seems like a much longer journey.

The first part of the



journey from Kabul takes you through the regions where grapes and fruit are grown and in the grape season sellers line the highway. One then passes through Charikar, the capital of Parwan Province. The town has industries producing pottery, iron, and cutlery. Charikar grew in the 1960s after a large textile factory was established at Golbahar nearby.

Just north of Charikar you turn left off the main highway onto the unsealed road to Bamiyan. The road winds

around the hills with the Ghorband River through fertile valleys. There are numerous villages along the road. As you approach the Shibar Pass the road climbs to a plateau and then a little further on begins its descent into the Bamiyan Valley. At Bololah there is a fortress with high walls and corner towers. The road joins the Bamiyan River and at Shahr-e –Zohhak, where there is another ruined fortress, it then enters the beautiful Bamiyan Valley.

Throughout the journey in the fertile valleys the farming methods are thousands of years old. Wooden ploughs pulled by yoked oxen, traditional harvesting, threshing and winnowing methods are used everywhere.

The statues that brought thousands of people to Bamiyan for centuries are no longer there. The larger one was thought to be the

largest standing Buddha in the world. They stood comparatively unharmed for more than 1,600 years whilst army after army passed through, including the hordes of Genghis Khan. They did not, however, survive the Taliban.

Despite the destruction, today, when you stand in front of the arches that once held the statues, you still experience the remarkable size of the construction. The large Buddha stood 55 meters and the small Buddha 38 meters!

In her book, “An Historical Guide to Afghanistan” (1977), Nancy Hatch Dupree suggested using imagination to see scene as it was in the Buddhist era: “one must close one’s eyes and mind to the crumbling, pockmarked, monotone cliffs which stand before you today. Instead one must see the façade decorated with realistic representations of wooden structures such as jutting roof beams, and carved doorways and windows, each painted in rich polychromatic hues. In the niches of the



colossal Buddhas, the smaller stood resplendent in a blue cloak, the larger in red, their faces and hands shining with gilt unrivaled by the glitter of countless ornaments festooned upon them.”

Tragically, today, one must also use imagination to see the statues themselves.

In the cliffs surrounding the Buddha statues are many caves. These were used for prayer, dressing, assembly, and as small rooms for the Buddhist monks. Many were

elaborately painted.

Recently a Japanese team has found that the caves contain the oldest known oil paintings, dating from about 1,400 years ago. This changes the concept that the oil painting originated in Europe, where the earliest examples date to around 900 years ago. Most likely, the paintings are the work of artists who traveled on the Silk Road, the ancient trade route between China, across Central Asia’s desert to the West.



# بزکشی

## - بازی ملی ما ست

بزکشی بازی ملی ما است. بزکشی در زمان های بسیار قدیم شروع شده است. این شاید از شکار بز های کوهی توسط پهلوانان اسپ سوار گرفته شده باشد. گفته میشود که بازی بزکشی برای بار اول در رودخانه دریای آمو صورت گرفته بود. ترکها و دیگر مردمانیکه از جلگه های آسیای مرکزی به افغانستان مهاجرت کردند اسپ را اهلی ساخته و از آن در جنگ ها استفاده می کردند.

نام آن در لغت به معنی "ربودن بز" است. دونه بزکشی وجود دارد: توده برای و قره جای، برای نمره گرفتن باید چاینداز جسد بز را گرفته و آنرا از دایره شروع به هر طرفی بدور ببرد. چاینداز باید خودرا از دیگر چایندان آزاد و فارغ نگهدارد. در قره جای، کار بسیار معلق میباشد. چاینداز باید گوساله را به دور یک نشانی ببرد و جسد را دوباره به جای دایره مشخص نمره همان تیم برگرداند.

بازی کنان بزکشی، که چاینداز نامیده میشوند، سوارکاران بسیار ماهر می باشند. اسپهای آنها نیز بطور خاص آموزش دیده اند. اسپ و چاینداز در بازی یکجا کار میکنند. اگر چاینداز به زمین می افتد یا پیاده میشود، اسپ انتظار می کشد. یک اسپ ماهر برای اینکه نمره بگیرد به مجرد اینکه سوارکار جسد گوساله را می قیاند به سرعت فوق العاده برای برنده شدن می تازد. به اسپها آموخته شده است تا مانند خود اسپ سوار از بازی لذت ببرند. یک اسپ خوب بزکشی بسیار گران است.

این رقابت بسیار شدید است، و برنده یک مسابقه جوایز دریافت میدارد. بازی بزکشی بطور قطع یک بازی برای ضعیفان نیست چون برداشتن جراحات درین بازی غیر معمول نمی باشند.

برای بسیاری افغانها، بزکشی فقط یک بازی نیست، این یک راه زندگی است. کار گروهی و ارتباطات اساسات خوب برای چایندان موفق ضروری می باشد

Photographs in this article by Mobin, courtesy of

# AFGHANLOGISTICS & TOURS





# وزلوبه

## - زموږ ملي لوبه ده



آسونه هم په خانگري ډول روزل شوی دی. آس او آس خُغلونکی ئی په لوبه کی یو خای لوبه کوی. کله چی لوبغاری له آس څخه بنکته شی او یا ولویږی، نوموړی آس انتظار کوی. یو روزل شوی آس په ډیره چټکتیا وروسته له دې چی له آس خُغلونکی خوسکی را واخلی، خُغلی ترڅو په لوبه کی یو دریځ لاسته راوړی. داسی انگیرل کیږی چی، آسونه د لوبی څخه په هغه کچه خوند اخلی څومره چی د هغوی خُغلونکی ورڅخه برخمن کیږی.

د وزلوبی لپاره یو ښه آس پیرودل ډیر گران او قیمته کار دی.

د وزلوبی مسابقه ډیره په زړه پوری ده. او د لوبی گټونکی ته ډیر انعامونه ورکول کیږی. وزلوبه د کمزورو کسانو لپاره نه ده، ځکه چی په دی کی ډیر ټپونه او زخموونه مینځ ته راځی. ډیر شمیر افغانانو ته وزلوبه یوازی یوه لوبه نه ده بلکه د ژوند د تیروولو لپاره یوه تگلاره ده. ډله بیژکار او اړیکی دښو چاپندانو لپاره دغوره او کامیابه بنسټونوپه توگه ضروری.

وزلوبه زموږ ملي لوبه ده. نوموړی لوبه ډیره پخوا پیل شویده، چی د پخوانی د غرونو د سیرلیو چی د باتورانو او قهرمانانو په وسیله بنکار کیدلی پیل شوی ده. داسی ویل کیږی چی دوزلوبه د لومړی ځل لپاره د اکسوس باسین په سیمه کی تر سره شوه. ترکی ملتونو او نورو هغو وگړو چی د منځنی آسیا څخه افغانستان ته مهاجرت وکړ، آس ئی اهلی وگرځاوه او د هغه څخه ئی په جگړه کی کار اخیست.

د وزلوبی لغوی معنی د " بزى او یا د سیرلیو د نیولو " څخه اخیستل شویده. مور ډوه ډوله وزلوبه لرو چی د توده برای او قره جای څخه عبارت دی. په توده برای وزلوبه کی د نمری د گټلو لپاره، لوبغاری ( آس چلوونکی ) بزه باید د پیل کړی څخه هری خواته ولیردی. نوموړی لوبغاری باید د نورو لوبغاریو څخه لیری او خپلواک پاتی شی. قره جای لوبه یوه اندازه پیچلی او ستونز منه ده. په دی لوبه کی لوبغاری باید خوسکی د ښی پر شا او خوا وگرځوی او بیا وروسته د ټیم د نمری ورکونکی کړی ته بی ورسوی.

د وزلوبی لوبغاری ته چاپندان وایی چی، هغوی ډیر زیات تجربه لرونکی آس خُغلونکی دی. د دوی





## Buzkashi – our national game

Buzkashi is our national game. It began a very long time ago. It may have come from the hunting of mountain goats by champions on horseback. It is said that Buzkashi was played for the first time in the Oxus basin. The Turkic peoples and others who migrated from the Central Asian steppes to Afghanistan domesticated the horse and used it in battles.

The name literally means "goat grabbing". There are two kinds of Buzkashi: Tudabarai & Qarajai. In Tudabarai, in order to score, the rider must get the carcass and carry it away from

the starting circle in any direction. The rider must stay free and clear of the other riders. In Qarajai, the task is much more complex. The player must carry the calf around a marker, and then return the carcass to the team's designated scoring circle.

Buzkashi players, called chapandaz, are highly skilled riders. Their horses, too, are specially trained. Horse and rider work together in the game. If the rider is thrown off or dismounts, the horse waits. A trained horse will gallop with terrific speed as soon as the horseman snatches the carcass of a calf in

order to gain an edge in the game. The horses are said to enjoy the game as much as the riders. A good Buzkashi horse is very expensive to purchase.

The competition is fierce, and the winner of a match receives prizes. Buzkashi, is definitely not a game for the weak as injuries are not uncommon.

To many Afghans, Buzkashi is not just a game, it is a way of life. Teamwork and communication are essential for successful players.

نظر می رسد که افغانها تاریخ پرافتخار خود را فراموش کرده و در حالت بقای بعد از جنگ بسر می برند. مردمی را که برای نمایش خود دعوت می نمایم آنهائی هستند که احساس مالکیت خود را دوباره بدست آورده اند. پیغام آنها اینست: من متعلق به افغانستان می باشم. من چه کرده می توانم تا کشور خود را بهتر سازم؟"

سراج به چرخاندن نمایش از استودیوی خود باور ندارد. نامبرده در بسیاری از جاها درس تا سر افغانستان سفر می نماید تا قاصه های خود را یکجا به نمایش بگذارد. "من به دین اسلام و فرهنگ افغانی احترام دارم. شنوندگان من باید درک نمایند که ما در زیر یک پته بانجان رومی نه روئیده ایم.

مردم از درون قلب شان حرف می زنند" سراج نمایش خود را با نیمه سرکس سیار اطفال افغانستان یک گروپ هنرمندان جوان، که نامبرده آن را بدون ترس می خواند بزودی آغاز کرد: وی اظهار میدارد "من یک خلایق را اکثراً در بین پلان گذاری و تطبیق آن در افغانستان مشاهده می نمایم" ولی در MMCC من اطفالی را می بینم که با فضائی رشد می نمایند تا خود را برسانند."

این برای سراج حایز اهمیت است که هر نمایش ۱۵ دقیقه ای اش یک پیغام امید واری و وابستگی را به نشر می رساند.

وی اظهارداشت "من قبل از تجاوز شوروی به سن بلوغ رسیدم." "در آنوقت، افغانستان شاهد یک دیموکراسی جدید روبه پیشرفت بود. این به

محبوبه سراج ۶۰ ساله، نواسه امیر حبیب الله خان شهید، چهلمین قسط پروگرام رادیویی "افغانستان محبوب ما" را در ماه مارچ در رادیو نوا آغاز نمود.

سراج، که فعلاً آمر پروگرام نسوان برای دسترسی مساویانه، یک موسسه غیر دولتی می باشد که تغییر مثبت را با فراهم نمودن معلومات و تعلیم از طریق مطالب هدفمند و تکنالوژی موثر در جوامع بوجود می آورد، برایش الهام گردید تا یک نمایش سخن گفتن را آغاز نموده، زیرا او حرف زدن و قصه گوئی را دوست دارد.

سراج اظهار داشت "مهمانان در نمایش من افغانهائی هستند که باره حل هائی برای مسائل افغانستان می آیند. گفت و شنود ها روان، بدون ادعا بوده و





## محبوبه سراج د "زمبور گران افغانستان" پروگرام پیل کوی لزیت پوتگیتر

تاریخ هیرکری دی اوله جنگ نه وروسته دپاتی شویوپه څیرژوندکوی. هغه خلک چی خپلی ننداری ته رابولم، هغه داسی کسان دی چی، د ملکیت احساس یی بیرته خپل کری دی. دهغوپیغام دادی چی: زه په افغانستان پوری اړه لرم، زه دخپل هیواد دآبادی لپاره څه کولی شم؟

سراج له خپلی سټودیونه دخپلی ننداری په بنودلوباورنلری. هغه دتول افغانستان هری سیمی ته سفرکوی، ترڅو خپلی کیسی له نورو سره یوځای ننداری ته وړاندی کری. "زه داسلام دین اوافغانی فرهنگ ته درناوی کوم. باید زما اوریدونکی په دی پوه شی چی، موربدانجانودیوه بوتی بیخ ته نه یولوی شوی."

سراج خپله ننداره دافغانی ماشومانودگرځنده نیمه سرکس په وسیله چی دځوانو هنرمندانویوه بله ده اوبی له ویری خبری لری، دیرژرپیل کره. دی څرگندی چی:

"زه زیاتره په افغانستان کی دپلانونودعملی کولو په برخه کی یوه خالیگاه گورم." "مگریه MMCC کی زه داسی ماشومان گورم چی، په یوه داسی فضا وده کوی چی خپل ځانونه ورسوی." دغه دسراج لپاره داهمیت ورده، چی هرپنځلس دقیقه یی پیغام یی دهیله مندی اوبیوستون پیغام دی.

زه دشوروی له تیری نه مخکی بالغ شوی وم. هغه وویل: "په هغه وخت کی په افغانستان کی یوه نوی دموکراسی دودی په حال وه. داسی معلومیچی، افغانانو خپل له ویاړه ډک

۶۰ کلن محبوبه سراج چی دامیرحبیب الله خان لمسی کیچی د"زمبورگران افغانستان" درادیوی پروگرام څلویښتمه برخه دنواپه رادیو کی دمارچ په میاشت کی پیل کر.

سراج چی اوس دیوی نریوال غیردولتی موسسی دمسایوانه لاس رسی لپاره دبنځود پروگرام آمردی، ددهفمندی لاری، مطالبواوتکنالوژی په وسیله په ټولنه کی دیوهی اومعلوماتولپاره داغیزناک بدلون غوښتونکی دی، هغه ته دافکرورولویده چی دویناکولویوه ننداره پیل کری. هغه ښه ویناودکیسوکول خوښوی. سراج وویل: "زماپه ننداره کی هغه افغانان میلمانه دی چی، دافغانستان دمسایلوداواوری په خاطر راخی. روانی خبری اتزی له کومی دعوی پرته خبری اتزی وی اودغه ډول خلک له خپلوزرونو نه خبری کوی."

## Mahbouba Seraj Launches "Our Beloved Afghanistan"

Text and Photos by Lizette Potgieter

Sixty-year-old Mahbouba Seraj, granddaughter of King Habibullah, launched her 40-episode radio programme, "Our Beloved Afghanistan," in March on Radio Nava.

Seraj, currently Women's Programme Manager for Equal Access, an international NGO, which creates positive change in communities by providing information and education through targeted content and cost-effective technology, became inspired to start a talk show, because she loves to talk and tell stories.

"The guests on my show are Afghans who have come up with solutions for

Afghanistan's problems," says Seraj. "The conversations are fluid, unpretentious and people talk from their hearts."

Seraj kick-started her show with Afghanistan's Mobil Mini Circus for Children, a group of young artists, she describes as "fearless." "In Afghanistan I often see a gap between planning and implementation," she says. "But at MMCC I see children blossoming with room to express themselves."

It is very important to Seraj that each of her 15-minute shows broadcasts a message of hope and belonging.

"I grew up prior to the Russian invasion," she says. "At that time,

Afghanistan was a thriving new democracy. It seems that Afghans have forgotten their proud history and operate in post-war survival mode. The people I invite to be on my show are the ones who have regained their sense of ownership. Their message is: I belong to Afghanistan. What can I do to make it a better country?"

Seraj does not believe in running her show from her studio chair. She travels widely throughout Afghanistan to put her stories together. "I respect the Islamic religion and I respect Afghan culture. My listeners should realize that we did not grow up under a tomato plant."





**محمود خان انوری**

مضمون خودداری ورزیدند. "ما باید ظرفیت و مهارت تمام کارمندان بخش خود را بهبود بخشیده و از کسانی که به آموزش بیشتر نیاز دارند بطور خاص حمایت مینمائیم." محمود، که ۲۴ سال داشته و در این اواخر نامزد شده است، پست مدیریتی خود را بسیار جدی می پندارد. او مسلماً به اداره و کارمندان خود افتخار مینماید. وی اظهار میدارد " ما با پرداخت پولهایی که برای انکشاف وطن ما داده می شود، سهم خود را در این انکشاف ادا مینمائیم."

از پروژه ها و فعالیت ها را در سرتاسر کشور تحت پوشش قرار میدهد. این بخش توسط نماینده مدیریت مالی (FMA) پروژه عاجل اداره عامه بانک جهانی (EPAP) تمویل میگردد.

محمود به افتخار میگوید " ما ۲۰ نفر کارمند داریم، ۵ زن و ۱۵ مرد،" اما من فکر میکنم زنان ترجیح میدهند که "دختر" خطاب شوند تا اینکه سالخورده معلوم نشوند!" با وجود پالیسی بسیار صریح مجله افغانستان زنده است در مورد تساوی جندر، خانمهای جوان مسلکی این دفتر از گرفتن عکس شان برای این

# سهم گیری در انکشاف

که فامیل وی تا کنون در آنجا زندگی دارند چشم به جهان گشوده است. وی بدرجه لیسانس در رشته اداره تجارت در کراچی پاکستان درس خوانده است. بعد از جنگ وی به افغانستان عودت نموده و با پیوستن به وزارت مالیه به مقام آمریت SDU در آن وزارت رسید.

این بخش وظیفه اجرای پرداخت، محاسبه و گزارشدهی مالی کمک های بلاعوض انکشافی و بودجه های تمویل کنندگان را که توسط حکومت افغانستان دریافت میگردد، را بعهده دارد. بودجه ها اندازه وسیعی

محمود خان انوری که با هزاران دوسیه آبی در باره مسایل مالی افغانستان احاطه شده است، یک دسته مامورین ۲۰ نفری را در بخش خاص تادیات (SDU)، وزارت مالیه اداره میکند.

محمود در قندهار جایی

کارکونکو ظرفیت او مهارت او په خانگری ډول هغه شمیر کسان چی زیاتی روزنی ته اړین دی وده ورکوو. محمود چی ۲۴ کلن دی او په دی وروستیوکی نامزد شوی هم دی، خپل د مدیریت منصب ډیر جدی نیسی او په بنه ډول یی پر مخ بیایی. هغه د خپل ډیپارتمنت په کارکونکو باندی ویاری. محمود وایی هغه مرسته چی زموږ هیواد د پرمختگ لپاره ورکول کیږی دهغه په پرداخت سره موږ هم د هغه په پرمختگ کی برخه اخلو







# په پرمختګ کی برخه اخیستل

محمود خان انوری چی د مالی د وزارت د ۲۰ کار کونکو د تادیی خانگی مشری کوی او په زرهاو آبی دوسی چی د افغانستان د مالی مسایلو په اړه معلومات لری، دده په چار چاپیره کی ایینودل شوی دی.

محمود په کندهارکی زبیریدی دی او کورنی بی تر اوسه هلته اوسیری. نوموری د تجارت او اداري د لیسانس درجه د پاکستان د کراچی په بنار کی تر لاسه کری ده. وروسته د جگری څخه افغانستان ته راستون شو او د مالی په وزارت کی بی دنده پیل کړه او د نوموری وزارت د تادیی د برخی د مدیریت منصب بی تر لاسه کړ. نوموری ددیپارتمنت د تادیو دبهر شمیرنه، د پرمختیایی بلاعوضه مرستو راپورونه چی د افغانستان د دولت په وسیله تر لاسه کیږی

کم عمره بنځینه کارکونکو ددی مضمون لپاره د عکس اخیستلو څخه ډډه وکړه.

وروسته د دفتر د لیدو څخه څرگنده شوه چی کارکونکی ځوان، فعال او ډیر لیواله دی. دوی ځوانان او پیغلی وی او همدارنگه دوی لوړو او با مسئولیته دندو د پرمخ بیولو ظرفیت درلود.

د مالی وزارت د خپلو کارکونکو د کاری ظرفیت د لوړولو لپاره یوه ډیره پیاوړی تگلاره لری. د تادیی دځانگی کارکونکی په نوموړو پروگرامونوکی د انگلیسی او کمپیوتر د کورسونو په شمول ونډه اخلی. محمود وویل چی دوی د خپل دیپارتمنت ټولو

اداره کوی. نوموری مالی مرستی یو لړ زیاتی پروژی او فعالیتونه په ټول هیواد کی تر پوښ لاندی نیسی. نوموری دیپارتمنت د نړیوال بانک د مالی اداری د عامه اداری بیرونی پروژی له خوا تمویل کیږی.

محمود په ویاړ سره وایی "موږ ۲۰ کارکونکی لرو چی ۵ بی بنځینه او ۱۵ بی نارینه دی. خوڅه فکرکوم چی بنځینه کار کونکی بنه گنی چی د جینکیو په نوم یادی شی، تر څو ډیری بدې ښکاره نشی. د ژوندی افغانستان د مجلی د نارینه او بنځینه د برابر والی د تگلاری برسیره ، مسلکی

Surrounded by thousands of blue folders holding information on Afghanistan's finances, Mamood Khan Anwari manages a staff of 20 in the Ministry of Finance's Special Disbursement Unit (SDU).

Mamood was born in Kandahar where his family still lives. He studied for a Bachelor of Business Administration in Karachi, Pakistan. After the war he returned to Afghanistan and joined the Ministry of Finance working his way up to the position of manager in the SDU.

This department handles the payment processing, accounting and financial reporting of development grant and donor funds received by the Afghanistan government. The funds cover a wide range of projects and activities across the country. The department is funded by the Financial Management Agent (FMA) of the World Bank Emergency Public Administration Project (EPAP).

"We have a staff of 20 people, 5 women and 15 men," Mamood

## Making a contribution to development

says proudly, "but I think the women prefer to be called 'girls' so they don't sound too old!" Despite Afghanistan Alive Magazine's strict gender equity policy, the professional young women in the office declined to be photographed for this article.

Walking around the office it was obvious that the staff are young, active and enthusiastic. They are young but obviously competent and are holding jobs that involve a high level of responsibility.

The Ministry of Finance has a strong policy of providing capacity building programs for

its staff. Staff of the SDU participate in these programs including courses to improve their English skills and computer literacy. "We want to improve the capacity and skill of all of our department staff and we give special support to those who need more training." Mamood said.

Mamood, at 24 years of age and recently engaged, takes his management position very seriously. He is obviously proud of his department and his staff members. "In disbursing the money given for the development of our country we are making our contribution to that development," he says.





# Albanian Restaurant & Sports Bar

STREET 15, LINE 4 (TURN LEFT), WAZIR AKBAR KHAN, KABUL

*Continuing the traditions, tastes & quality of the Springfield*



## FREE HOME DELIVERY

(within 5km of the restaurant)

0799 001 520 or 0799 150 044

Check our menu at [www.afghanistanalive.com/Rest.htm](http://www.afghanistanalive.com/Rest.htm)

# دانش آموزی وسرگرمی در میدان سرکس

توسط لزیب پاتگیتزر



MMCC ، نیمه سرکس سیار برای اطفال، یک موسسه غیردولتی دنمارکی-افغان میباشد که امید واری و خوشی را از طریق تفریح تعلیمی برای اطفال افغان به ارمغان می آورد. اولین فعالیت های سرکس توسط دیوید مسن که این نظریه را بعد از حملات ۱۱ سپتمبر انکشاف داد در سال ۲۰۰۲ آغاز گردید.

MMCC ورکشاپ های سرکس را برای بیش از ۴۶۰۰۰۰ طفل از سال ۲۰۰۲ به این طرف اجرا نموده و در معرض نمایش قرار داد و در بسیاری ولایات افغانستان سفر کرد. هراجرات یک پیام تعلیمی را ابلاغ میدارد. تعلیم برای صلح با استفاده از یک اسپ، یک بقه و یک خرس که باهم تفاوت دارند ابلاغ میگردد. جلوگیری از ملاریا با استفاده از یک پشه بزرگ تدریس میگردد. درین اواخر، MMCC یک داستان نمایشی تئاتری را در مورد آگاهی ماین زمینی که یک مسئله بزرگ در افغانستان بشمار می رود تهیه داشته است.

MMCC روزسه سرکس سیار افغان (دوسرکس با اطفال ویک سرکس باهنرمندان جوان) رامی چلانند ویک خانه فرهنگ اطفال را در کابل با فعالیت های ابتکاری برای ۳۵۰ پسر و دختر به پیش می برد. مأموریت عمده موسسه اعمار توانمندی ابتکاری و هنری افغانستان با فراهم نمودن آموزش و حمایت برای این اطفال می باشد. ممتلین داستان نویسان، اکروبات ها یا دال بازان، شعبده بازان، آواز خوانان و روزنامه نگاران باریبیا یند.

رحمت الله ایار، یک دال باز ۱۶ ساله می گوید، " در دوران جنگ، زمانیکه من یک طفل بودم هیچ چیزی نداشتم اکنون زندگی من تغییر نموده است. من یک هنرمند بوده و از آن احساس خورسندی مینمایم."

رامسن میگوید "اگر کسی خواسته باشد که برای این کشور خدمتی انجام دهد، ضرورت دارد تا خدمتی برای اطفال انجام دهد." "

# WCG

*World Construction Group*  
Construction - Logistics - Security

Our Fleet Includes:

- Dump Trucks, Trucks
- Excavators
- Graders
- Vibrators
- Truck Mounted Cranes
- Compactors
- Concrete Mixers



Wazir/Akbar,Khan, Kabul, Afghanistan

haris@afghanistanalive.com

+93 (0)799 481011





# د سرکس په ډگر کي زده کړه او ساعت تيري

## ليزيت پاتگيتر

MMCC چې د ماشومانو لپاره نيمه گرځنده سرکس دی، د افغان-ډنمارک يوه نادولتي موسسه ده چې، د افغاني ماشومانو لپاره، د ښوونيزي تفریح لپاره، دهيله مندی اوخوښي پيغام لري. د سرکس لومړني فعاليتونه د ديويد مسن له خوا، دغه نظريه په ۲۰۰۲ کال کي د سپتمبر د ۱۱ نېټي له بریدونو نه وروسته پيل شوه.

MMCC په ورځ کي دري گرځنده سرکسه (يو سرکس له ماشومانو او دوه سرکسه له ځوانو هنرمندانو سره) چلوي او په کابل کي د ماشومانو لپاره د فرهنگ خونه لري چې، د خپلو نوښتگرو فعاليتونو په وسيله ۳۵۰ هلکان او نجونې روزي. د موسسي اساسي ماموريت د افغانستان د نوښتگري او هنري جوړيدني پياوړتيا او د دغو ماشومانو لپاره زده کړه او ملاتړ دی. هغوی غواړي چې، دغه ماشومان په راتلونکي کي لوبغاړي، ليکوال، اکروباتان يا دال لوبي کونکي، شعبده بازان، سندرغاړي او خبريالان شي.

رامسن وايي: "که څوک وغواړي چې، ددغه هيواد لپاره کار



ثور ۱۳۸۷

افغانستان زنده است

# Learning and Fun at the Circus

Text & Photos by Lizette Potgieter

MMCC, Mobile Mini Circus for Children, is a Danish-Afghan NGO bringing Afghan children hope and joy through educational entertainment. The first circus activities were started in 2002 by David Mason, who developed the idea after the terrorist attacks on September 11.

Today MMCC maintains three Afghan travelling circuses (two circuses with children and one with adult artists) and runs a Children's Culture House in Kabul with creative activities for up to 350 boys and girls. The NGO's primary

mission is to rebuild the creative and artistic potential of Afghanistan by providing training and support for these children to be actors, playwrights, acrobats, jugglers, singers and journalists.

"If one wants to do something for this country, one needs to do something for the children," says Mason. "Using their imagination empowers the children to heal their wounds and they grow up with a positive image that playing is good."

MMCC has performed and presented circus



workshops for more than 460,000 kids since 2002 and travelled in most provinces of Afghanistan. Every performance communicates an educational message. Education for peace among different ethnic groups is communicated by using a horse, a frog and a bear that have conflict; malaria prevention is taught using a giant mosquito. Most recently, MMCC developed a theatrical piece on landmine awareness, a major issue in Afghanistan.

Rahmatallah Ayar, a 16-year-old acrobat, says: "When I was a child during the war I had nothing. Now my life has changed. I'm an artist and I'm happy."



Afghanistan Alive

April 2008





**Qutbzadah Translation Center, a registered translation center is honored to serve dear countrymen, Government Departments, NGO's, UN agencies and international organizations in the translation of documents and books of different nature (Technical, Agricultural, Legal, and Medical) newspapers and articles from English into Dari and Pashto and vice versa.**

**Address:**

Kolola Pushta, Jabbar Naeem Market, in front of Municipality Blocks

Contact Nos: 0797 270 077 or 0774 414 156 or 0700 692 589

E-mail: qt.center@gmail/hotmail/yahoo.com

**دارالترجمه قطب زاده یک مرکز ترجمه راجسترشده با دولت افغانستان افتخار دارد که در ترجمه اسناد و کتب مختلف النوع (تخنیکي، زراعتي، حقوقي، طبي) روزنامه ها و مضامين از انگلیسی به دری و پشتو و برعکس از دری و پشتو به انگلیسی در خدمت هموطنان عزیز، ادارات دولتی، موسسات غیردولتی، نمایندگی های ملل متحد و سازمان های بین المللی قرار دارد.**

آدرس:

کلوله پشته، مارکیت جبارنعیم، پیشروی بلاک های شاروالی

نمرات تماس: ۰۷۹۷۲۷۰۰۷۷، ۰۷۷۴۴۱۴۱۵۶، و ۰۷۰۰۶۹۲۵۸۹

آدرس ایمیل: qt.center@gmail/hotmail/yahoo.com



## گذرگاه

جالی دروازه ۳۰ متر بلندی داشته و یک راهرو بالای قوس و دو عدد فانوس مناره کوچک در فوق آن قرار دارد. این نمونه مهندسی در دوران تیموریان دارای محبوبیت زیاد بود.

یک ستون مرمری به ارتفاع ۱۵ فتنه که در نزدیکی مقبره آن ذاهد بزرگوار در پیشروی قوس مرکزی قرار دارد سنگ کاری دوره تیموری را نمایان میسازد.

میدان مقبره پراز صدها لوحه سنگ هائیسست که تاریخ آن از ادوار مختلفه می باشد.

که در کشف الاسرار و طبقات گنجائیده شده است.

مدفن خواجه عبدالله انصاری در هرات هم اکنون همه ساله یک محل زیارت گاه برای هزاران افغان و متصوفین میباشد. این زیارت به فاصله سه میل بطرف غرب هرات موقعیت دارد.

اعمار آن در سال ۱۴۲۵ میلادی آغاز گردید.

مدخل عمومی و ایوان مرکزی یا قوس میدان داخلی از طرح های دوره تیموری می باشد.

خواجه عبدالله انصاری یک شاعر متصوف و فیلسوف معروف بوده که در سال ۱۰۰۶ در هرات تولد گردیده و در سال ۱۰۸۸ در همانجا وفات نمود. نامبرده در حدود ۶۰۰۰ شعر عربی را در مورد اسرار تصوف تصنیف نمود.

بعضی از کارنامه های انصاری شامل کشف الاسرار آشکار نمودن رازها "

(تفسیر قرآن عظیم الشان)، طبقات الصوفیه (نسل های متصوفین). "مناجات" (اوراد رونی) میباشد





کې پیل شوی دی.

عمومی مدخل او یا د قوس  
مرکزی ایوان او داخلي میدان  
د تیموریانو له طرحونه شمیرل  
کیري.

د دروازي جالی ۳۰ متره  
لوړوالی لري. په قوس سربیره  
یوه لاره او دوه عدده کوچنی  
فانوس مناري د هغې په پورتنی  
برخه کې موجود دي.

د تیموریانو په دوره کې د  
مهندسي دغه نمونه گن شمیر  
خلکو ته گرانه وه.

د مرمرو ۱۵ فته په لوړوالی  
یو ستن چې ددغه زاهد بزرگوار  
د مزار د قوس په مخکې برخه  
کې موجود ده د تیموریانو د  
دوري سنگ کاري ښيي.

د مزار ډگر د ډبرو له  
سلگونو لوحونه جوړ دی او د  
هغو تاریخ بیلابیلی دوري ښيي.

## مذرگاه

خواکي عربي شعرونه د تصوف  
د رموزو په باب تصنيف کړي  
دي.

د انصاری یو شمیر کارنامې  
چې په هغو کې کشف الاسرار  
(د رازونو کشف)، د قرآن عظیم  
الشان تفسیر، طبقات الصوفیه  
(د متصوفینو نسلونه)، مناجات  
(داخلي اوراد) چې په کشف  
الاسرار او طبقاتو کې خای  
پر خای شوي دي، شاملې دي.

په هرات کې د خواجه عبدالله  
انصاری مزار همدا اوس هر  
کال په هرات کې د زرگونو  
افغانانو او متصوفینو زیارت  
خای دی. دغه زیارت د دریو  
میلو په واټن د هرات د لویدیځ  
پر لور موقعیت لري. د هغه  
جوړول په ۱۴۲۵ میلادي کال

خواجه عبدالله انصاری یو  
نامتو متصوف شاعر او فیلسوف  
وؤ چې، په ۱۰۰۶ کال کې په  
هرات کې وزیږیده او په ۱۰۸۸  
کال کې په هغه خای کې وفات  
شو. نوموړي د ۶۰۰۰ په شاو



افغانستان زنده است

## Gazargah

**Khwaja Abdulla Ansari was a celebrated Sufi poet and philosopher who was born in Herat in 1006 and died there in 1088. He composed some 6,000 Arabic verses on the mysteries of the Sufi experience.**

Some of Ansari's works include Kashf al-Asrar "Unveiling of the Secrets" (Commentary of the Holy Quran),

Tabaquat al-Sufiyya (The Generations of the Sufis), "Munajat" (Intimate Invocations) which is incorporated into the Kashf al-Asrar and in the Tabaqat.

The burial place in Herat is still a place of pilgrimage for thousands of Afghans and Sufis every year. It is situated some three miles east of Herat. The building began in 1425.

The main entrance and the main iwan

or arch of the interior courtyard are of Timurid design.

The portal screen is 30 m high with a gallery above the arch and two lantern-turrets at the top. This style of architecture was popular in the Timurid period.

A fifteen-foot marble pillar standing by the tomb of the saint in front of the main arch features stonework from the Timurid period. The courtyard is filled with hundreds of beautiful headstones dating from various periods.



Afghanistan Alive

April 2008



WE TAKE YOU HOME



*Safi Airways*

*5 weekly flights  
Kabul - Dubai*

*Coming soon:  
Non-stop flight operation  
Frankfurt-Kabul!*

**PHONE:** +49 (0) 1805 7234 29

**FAX:** +49 (0) 1805 7234 30

**MAIL:** [office@safiairways.de](mailto:office@safiairways.de)

**WEB:** [www.safiairways.de](http://www.safiairways.de)